



Citizens' Sense of Place and Memories: Phenomenological Analysis of Sense of Place in Ancient Urban Gates (Case Study: Tabriz City)

Ahad Beheshti Asl^{1*} , Mohammadreza Ebrahimi² 

¹PhD, Department of Architecture and Urban Planning, Technical and Vocational University (TVU), Tehran, Iran.

²MSc, Department of Architecture and Urban Planning, Technical and Vocational University (TVU), Tehran, Iran.

ARTICLE INFO

Received: 03.11.2020

Revised: 12.05.2020

Accepted: 01.16.2021

Keyword:

Sense of place
Historical memory
Memory strings
Gates
Gates of Tabriz old city

***Corresponding Author:**

Ahad Beheshti Asl

Email:

mr.ebrahimi@hotmail.com

ABSTRACT

The gates of the old city as a place of transition and guidance in the past have been highly efficient in establishing social actions and interactions between man and space. However, today, the greater tendency to the physical dimensions in the development of cities has caused what the urban environment offers to be incompatible with what citizens demand in their social lives. Accordingly, we attempted to study the basics of the sense of place and its roots in the city gates to investigate whether historical gates in the public opinion of the contemporary city have the ability to reconnect the city with the ancient structure. Therefore, by presenting a scientific framework and descriptive-analytical method and applying objective observations - presenting a questionnaire and interviewing a statistical population of 100 people - the area of four gates of the Qajar fortress of Tabriz was studied as a case study. Based on the findings, the existence of various mental-memory manifestations derived from the history of the place, it is possible to improve the connection between the old core of the city with the contemporary structure by applying strategies such as: recreating old signs related to their historical position, adapting the appearance and function of the place, as well as creating silent spaces to create opportunities for a better understanding of the environment.





دانشگاه فنی و حرفه‌ای
تفاهان

کارافان

فصلنامه علمی دانشگاه فنی و حرفه‌ای

تابستان ۱۴۰۰، دوره ۱۸، ویژه‌نامه شماره ۱، ۱۳۲-۱۱۳

آدرس نشریه: <https://karafan.tvu.ac.ir/>

doi:10.48301/KSSA.2021.128435

20.1001.1.23829796.1400.18.0.7.4



شاپای الکترونیکی: ۲۵۳۸-۴۴۳۰

شاپای چاپی: ۲۳۸۲-۹۷۹۶

مقاله پژوهشی

حس مکان و خاطرات جمعی شهروندان: واکاوی پدیدارشناختی حس مکان در دروازه‌های کهن شهری. نمونه موردی: شهر تبریز

احد بهشتی اصل^{۱*}، محمدرضا ابراهیمی^۲

- ۱- دکتری، گروه معماری و شهرسازی، دانشگاه فنی و حرفه‌ای، تهران، ایران.
- ۲- کارشناسی ارشد، گروه معماری و شهرسازی، دانشگاه فنی و حرفه‌ای، تهران، ایران.

چکیده

دروازه‌های شهر قدیم به عنوان مکانی برای گذار و هدایت در گذشته از کارایی بالایی در برقراری کنش‌های اجتماعی و تعامل میان انسان و فضا برخوردار بوده‌اند. لیکن امروزه، تمایل بیشتر در توسعه شهرها به سوی ابعاد کالبدی سبب گشته آنچه محیط شهری ارائه می‌دهد با آنچه شهروند در حیات اجتماعی خود از آن طلب می‌کند ناسازگار باشد. بر این مدار سعی گردید با مطالعه مبانی حس مکان و ریشه‌یابی آن در دروازه‌های شهر به واکاوی حول این موضوع پرداخته شود که آیا جایگاه دروازه‌های تاریخی در افکار عمومی شهر معاصر، قابلیت برقراری هم‌پیوندی دوباره شهر با ساختار کهن آن را داراست؟ لذا با ارائه چارچوبی علمی و با روش توصیفی تحلیلی و کاربردی مشاهدات عینی، ارائه پرسشنامه و اخذ مصاحبه از جامعه آماری ۱۰۰ نفری، محدوده چهار دروازه از باروی عهد قاجاری شهر تبریز به‌عنوان نمونه موردی بررسی شده است. بر اساس یافته‌ها، وجود بارزه‌های متنوع ذهنی - خاطره‌ای حاصل از پیشینه مکان، امکان ارتقای پیوند میان هسته قدیمی شهر با ساختار معاصر را از طریق اعمال راهکارهایی همچون: بازآفرینی نشان‌های قدیمی مرتبط در موقعیت تاریخی خود، متناسب‌سازی سیما و کارکرد مکان، همچنین ایجاد فضاهای سکون جهت فرصت‌سازی برای ادراک بهتر محیط، میسر می‌سازد.

اطلاعات مقاله

دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۱۲/۲۱

بازنگری مقاله: ۱۳۹۹/۰۹/۱۵

پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۱۰/۲۷

کلید واژگان:

حس مکان
حافظه تاریخی
رشته‌های خاطره‌ای
دروازه
دروازه‌های شهر قدیم تبریز

*نویسنده مسئول: احد بهشتی اصل

پست الکترونیکی:

ahad_beheshti@yahoo.com



© 2021 Technical and Vocational University, Tehran, Iran. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0 license) (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>).

مقدمه

حس مکان و مفهوم آن، امروزه از مسائل مهم دخیل در فضاهای شهری است و دغدغه بسیاری از برنامه‌ریزان و متخصصان شهری می‌باشد. حس مکان را می‌توان درک افشاد از محیط‌هایی دانست که نسبت به آن، آشنایی نسبی یا کافی دارند. وجود این حس در فضاهای شهری در واقع موجب شکل‌گیری رابطه‌ای خاص بین فرد و محیط می‌گردد که همواره از آن به‌عنوان، یکی از مهم‌ترین عوامل برای تداوم پایداری، هم از منظر کالبدی و هم از منظر معنایی در بافت قدیم شهر یاد می‌شود^۱ [۱]. بر این اساس با توجه به پارامترهای همانندی همچون خاطره و هویت، ادراک حسی و بازخوانی ذهنی عاملی مؤثر در فهم معنا در حوزه مکان است. با این نگاه، آستانه‌ها و فضاهای گذار نیز حکم مکان را می‌یابند؛ مکان‌هایی خاطره‌ای که در آن، محیط خود را نشان می‌دهد [۲]. لکن بررسی وضعیت بافت‌های تاریخی در گستره شهری کشور و بازخوانی تحولات رخ داده در سالیان اخیر، بیش از پیش بر این نکته صحنه می‌گذارد که دریافت‌های حسی و کالبدی ما از مفاهیم معمارانه امروزی با مفهوم آن در گذشته تفاوت معنایی قابل توجهی کرده است. بر این مبنا نوگرایی، مدرن‌سازی و بسیاری از مسائل کلانشهری معاصر دیگر، ذائقه فرهنگی و اجتماعی مردم و استخوان‌بندی شهر تبریز را که در کالبد خود شامل دانه‌ها و بافت موجد ارزش تاریخی است، به شدت تحت تأثیر قرار داده و به مرور زمان از رونق و تأثیرگذاری مفاهیم اجتماعی آن کاسته و سبب گشته برخی از این آثار از میان برود یا روابط ساختاری آن دچار گسست شود و با تهی شدن از مختصات هویتی خویش به عناصری مجرد در ساختار کالبدی شهر بدل گردند. لذا، با وجود نقش مؤثر خاطرات جمعی در ارتقای کیفیت مکان‌های شهری و همچنین تجربه غنی فضاهای عمومی شهری در شهرهای تاریخی ایران، در ادبیات معماری کشورمان، جایگاه ویژه این موضوع به خوبی مورد کاوش و تدقیق نظر قرار نگرفته است [۳]. بدین منظور، نوشتار حاضر قصد دارد با پاسخگویی به سوال پژوهش بدین مضمون که آیا موقعیت و جایگاه دروازه‌های تاریخی در افکار عمومی شهر معاصر قابلیت برقراری هم‌پیوندی دوباره شهر با ساختار کهن آن را در ادراک شهروندان داراست؟ برای رفع بخشی از این خلأ علمی با هدف دستیابی به امکان افزایش نفوذپذیری کالبدی و ادراکی هسته قدیمی بافت در ساختار معاصر شهر از طریق بازآفرینی نمادین و احیای عملکردی دروازه‌ها با در نظر گرفتن رشته‌های خاطره‌ای در اذهان عمومی شهروندان در شهر تبریز امروز، بحث مستدلی را ارائه کند. به نظر می‌رسد همان‌گونه که تداوم تاریخی دروازه‌ها در زمان حیات باروی شهر با نقش تعیین و نمادین خود از عوامل مؤثر در هسته و استخوان‌بندی شهر و رونق حیات اجتماعی آن محسوب می‌شد [۲]؛ بازآفرینی نمادین و عملکردی آن در مفهوم معاصر شهری از طریق به‌کارگیری عناصر نشانه‌ای و یادمانی، اصلاح ساختار و سیمای مکان در کنار متناسب‌سازی کارکردهای وابسته عاملی مؤثر در احیای مفهوم هویت و مکان‌سازی آن در بستر جامعه شهری در حیطه فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی و تاریخی شهر گشته و در نهایت، منجر به ارتقای پایداری فضایی در بعد زمان و شکل‌گیری و ماندگاری رشته‌های خاطره‌ای در فرایند ادراک بصری شهروندان می‌شود. بر این اساس، مقاله حاضر، نخست به ارزیابی تأثیرات حس مکان و تعلق مکانی در حافظه تاریخی شهروندان پرداخته و سپس با معرفی دروازه‌های شهر قدیم تبریز و مختصات هویتی آنها، درصدد بررسی تأثیرات تعمیم و بازآفرینی تأثیرات تاریخی دروازه‌های قدیم در بافت نوین شهری معاصر می‌باشد. در این مسیر با توجه به تمرکز بحث بر نمونه موردی، برای دستیابی به پاسخ‌های مناسب، روش توصیفی-تحلیلی بر مبنای موردپژوهی بر پایه گردآوری اطلاعات مبتنی بر بررسی‌های کتابخانه‌ای و کاوش‌های میدانی؛ شامل مشاهدات میدانی، مصاحبه و تدوین پرسشنامه، انتخاب شده است.

^۱ شامای معتقد است حس مکان به‌صورت کلی، به بیان رابطه پایداری و عملکردی انسان و مکان پیرامونش می‌پردازد [۱].

پیشینه پژوهش

در خصوص ادبیات موضوع و به‌طور صریح در حوزه حس تعلق به مکان، خاطره‌انگیزی و هویت مکانی شمار تحقیقات و اقبال نظریه‌پردازان حوزه مکان و مطالعات معماری برای مطالعه و بررسی‌های علمی، نشان از اهمیت ویژه این موضوع در حوزه شهری و تأثیرگذاری آن در روابط اجتماعی منتج از فضاهای اجتماعی دارد. مفاهیم مطرحه در ادوار نخستین شکل‌گیری مفهوم دلبستگی مکانی، آن را منتج از تعلق و وابستگی در افراد یا گروه‌ها معنا می‌کرد. با ادامه تحقیقات و با اهمیت یافتن چگونگی و چرایی دلبسته شدن به مکان‌ها، فرایند و دلایل شکل‌گیری تعلق به مکان‌ها نیز به عنوان ابعاد جدایی‌ناپذیر مفهوم دلبستگی مکانی مورد مطالعه قرار گرفتند [۴]. لکن، مدل‌های متأخر از ابعاد فوق، انتقاداتی بر الگوی دو وجهی دلبستگی مکانی وارد می‌کرد. بر این اساس محققانی که بر بعد اجتماعی- فرهنگی مکان، تمرکز بیشتری داشتند بر نیاز به درک زمینه اجتماعی در پیوندهای مکانی، شامل تعاملات اجتماعی که منجر به شکل‌گیری معنای مکان‌ها می‌شود، تأکید می‌کنند [۵] چراکه فضاهای اجتماعی به‌واسطه حضور مردم شخصیت پیدا می‌کنند و براین‌د آن باعث به‌وجود آمدن نوعی احساس هویت در فرد در برابر فضا و محیط خویش در شهر می‌گردد. از جمله پژوهش‌های بنیادی خارجی و داخلی معاصر در حیطه موارد مطرحه، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

نظریه پرداز	سال	تعاریف ارائه شده
Relph [6]	1976	معرفی جنبه‌های مختلف حس مکان
Shamai [1]	1991	گونه‌شناسی حس مکان
Canter [7]	1997	ارائه مدل مکان
Raymond [5]	2010	بررسی بعد اجتماعی- فرهنگی مکان
وحدتی اصل [۸]	۱۳۸۰	بازخوانی هویت در شهر ایرانی
فلاحی [۹]	۱۳۸۵	مفهوم حس مکان و عوامل مؤثر بر آن
آی‌شم و میرغلامی [۱۰]	۱۳۹۵	واکاوی مبانی مکان و حس مکان
لقمان و همکاران [۱۱]	۱۳۹۸	پارامترهای مؤثر بر هویت و حس تعلق شهروندان
پورجعفر و همکاران [۱۲]	۱۳۹۴	بررسی مفاهیم مربوط به حس تعلق و دلبستگی مکانی
شیبانی [۱۳]	۱۳۹۲	دلایل و مفاهیم دلبستگی مکانی
تابان و همکاران [۱۴]	۱۳۹۱	بررسی رویکردهای مؤثر بر حس مکان
حبیبی [۱۵]	۱۳۸۷	واکاوی مفهوم حس مکان
شعله [۲]	۱۳۸۵	ریشه‌یابی رشته‌های خاطره‌ای در دروازه‌های قدیم

اهم مطالعات صورت گرفته در داخل نیز درصدد است کارکردها و مؤلفه‌های مختلف، متنوع و متفاوت فضاهای زمینه‌ساز تعاملات اجتماعی در ادبیات حوزه شهر را معرفی کند. بنابراین، سعی بر آن بود که با تکیه بر جستارهای مطالعاتی، مفاهیم، نیازها و کنش‌های اجتماعی موجود، مطالعه‌ای واسع نسبت به خاطرات جمعی شهروندان و حس مکان در دروازه‌های کهن شهری صورت پذیرد و با دقت نظر در یافته‌ها، بخشی از هویت شهر در اثنای دستاوردهای تاریخی بازخوانی گردد.

مبانی نظری

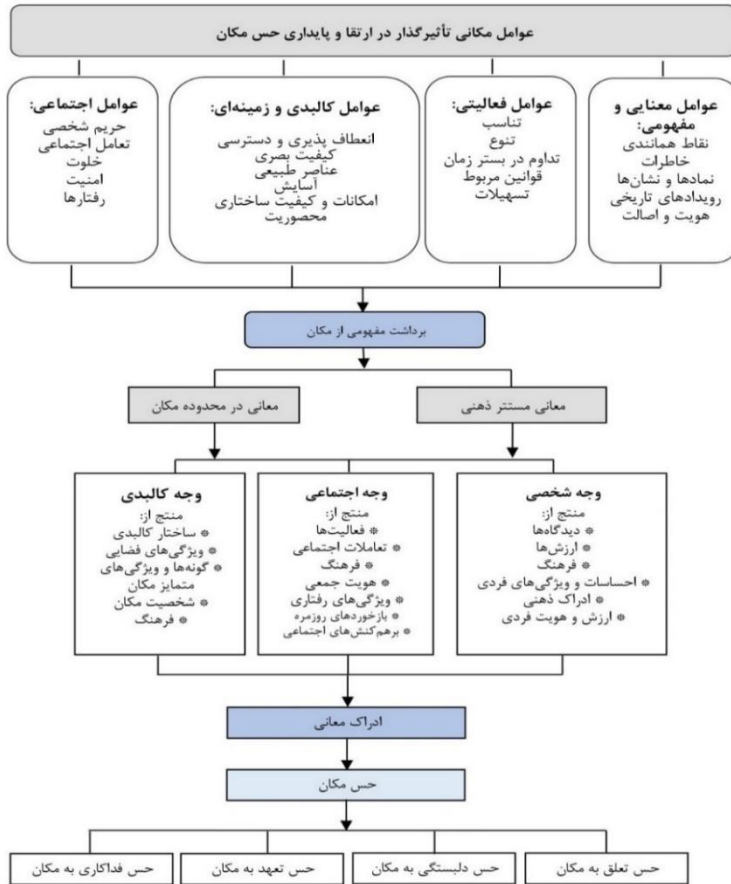
انگاره‌هایی از حس مکان و حس تعلق مکانی

در پی شناخت یک مکان باید این نکته را مدنظر داشت که شناخت یک مکان، پدیده‌ای اجتماعی است [۳] و هویت آن، آمیزه‌ای خاص است از روابط اجتماعی که دارای دو وجه اصلی ماهوی و مادی می‌باشد. از این روی مکان‌ها، کانون‌های فضایی هستند که به کمک رویدادهای معنی‌دار، هستی در آنها تجربه می‌شود. در بررسی پدیده مکان، پدیدارشناسی، یکی از مهم‌ترین رویکردهایی است که در فهم و تعریف حس مکان، جایگاه ویژه‌ای دارد. بر این مبنا در تعریف حس مکان از دیدگاه فوق [۱۶] چنین برمی‌آید که حس مکان به معنای مرتبط شدن با مکان و به واسطه درک نمادها و فعالیت‌های روزمره است و می‌تواند در مکان زندگی فرد به وجود آید و با گذر زمان عمق و گسترش یابد [۶]. حس مکان، تنها به معنای یک حس یا عاطفه یا هرگونه رابطه با مکانی خاص نیست، بلکه نظام و ساختاری شناختی است که فرد با آن به موضوعات، اشخاص، اشیا و مفاهیم یک مکان احساس تعلق پیدا می‌کند [۹]. از آنجا که ارزش‌های فردی و جمعی بر چگونگی حس مکان تأثیر می‌گذارد و حس مکان نیز بر ارزش‌ها، نگرش‌ها و به‌ویژه رفتار فردی و اجتماعی افراد در مکان تأثیر می‌گذارد [۷]، بنابراین معانی و مفاهیمی که پس از ادراک مکان توسط مدرک رازگشایی و دانسته می‌شود در دو گروه عوامل شناختی (ادراکی) و فیزیکی (کالبدی) از گونه‌های بسط‌دهنده حس مکان هستند. در این رابطه می‌توان به این مهم نیز اشاره کرد که روح مکان در خود مکان قرار دارد اما حس مکان در ذهن کاربر شکل می‌گیرد. از نظر دیگر، مکان نه تنها به یک محل جغرافیایی اشاره دارد بلکه نشان‌دهنده شخصیت اصلی یک جایگاه است که موجب تمایز آن از سایر جاها می‌شود. به این ترتیب، در مکان، ابعاد گوناگون چشم‌انداز، جمع می‌آیند تا یک محیط متمایز و یک حس، محلیت خاص را ایجاد کنند [۱۷]. بر این منوال، در ادراک فرایند شکل‌گیری حس مکان، مرز و آستانه، عناصر مکان را بنیان می‌نهند [۱۶] و فضاگذاری را از یک قلمرو به قلمرو دیگر به وجود می‌آورند که می‌تواند در نوع خود بی‌نظیر باشد. حس تعلق و دلبستگی به مکان نیز که در مرتبه‌ای اولی از حس مکان در راستای تداوم حضور، مفروض است [۹]، به معنای خاص و متمایز بودن، ثابت و پایدار ماندن و به جمع تعلق داشتن است [۱۸] و شکل‌گیری آن منوط به محدوده و مکانی است که فرد در آن زاده شده و شکل گرفته است. در واقع این نوع ارتباط با مکان، مردم را به گونه‌ای ماندگار، تحت تأثیر قرار می‌دهد و خاطره مکان، هویت انسان را غنا می‌بخشد [۱۹].

بارزہ‌های خاطره جمعی و حافظه تاریخی

فضای شهری، بستری است که حیات مدنی در آن جریان می‌یابد و رویدادها و حوادث در آن رخ می‌دهند [۱]؛ رویدادها و حوادثی که حیات مدنی را به حیات واقعه‌ای تبدیل می‌کنند [۲۰] و سبب می‌شوند تا خاطره شکل بگیرد و ذهن محل انباشت خاطره‌ها شود؛ لذا درک فرایند شکل‌گیری و انتقال خاطرات جمعی با نفوذ در محتوای فضاهای عمومی شهری (وقوع تعاملات اجتماعی) در ترکیب با بستر کالبدی، محقق می‌شود. همچنین خاطره جمعی می‌تواند به‌عنوان عنصری بنیادی برای شکل دادن به هویت ملی، محلی، مدنی و مشترک در نظر گرفته شود. بر این منوال، دریافتن ارزش خاطره‌ای مشترک از طریق یادمان‌های گذشته و شناسایی عناصر گذشته و رشته خاطره‌ای آنها؛ میان سیمای کالبدی و ساختار ذهنی ساکنان آن، رابطه‌ای مستقیم و قوی برقرار می‌کند؛ بنابراین، سیمای کالبدی مکان‌های شهر، تبلور ساختارهای ذهنی ساکنان آن یا مشخص‌کننده روش فکری آنها در محور زمان است [۲۱] (نمودار ۱).

^۱ پدیدارشناسی بر وحدت زندگی و مکان تأکید دارد، چنانچه به‌زعم شولتز، مکان را نمی‌توان به‌وسیله مفاهیم تحلیلی و علمی شرح داد؛ زیرا علم، امور موجود را در قالب انتزاع‌هایی درمی‌آورد که دانش عینی را شکل می‌دهند [۶].



نمودار ۱. جایگاه مؤلفه معنا در شکل‌گیری حس مکان و عوامل مکانی مؤثر در ایجاد حس دلبستگی به مکان

روش تحقیق

با در نظر گرفتن این نکته که مسئله تحقیق، دربرگیرنده رویکردی تاریخی است، برای حصول پاسخ‌های مناسب، روش توصیفی-تحلیلی بر مبنای موردپژوهی با دیدگاه پدیدارشناسانه و بر پایه گردآوری اطلاعات از طریق بررسی‌های کتابخانه‌ای و کاوش‌های میدانی؛ شامل مشاهدات میدانی، تدوین پرسشنامه و اخذ مصاحبه، انتخاب شده است. بدین منظور، در گام نخست برای واکاوی ادبیات و تعریف مبانی و شناخت ابعاد و کلیت موضوع، از شیوه اسنادی بهره گرفته شده است. مبانی نظری حاصل از این بخش نیز در بررسی موردی محل دروازه‌ها کاربست یافته است. برای مطالعه در بخش بررسی‌های میدانی و سنجش نمونه آماری وابسته به مشاهدات عینی، تدوین پرسشنامه و اخذ مصاحبه در اولویت قرار گرفت. در پرسشنامه مذکور، عوامل مؤثر بر شکل‌گیری حس مکان و تعلق و دلبستگی مکانی در محدوده دروازه‌های تاریخی شهر؛ چهار دروازه از دروازه‌های نه‌گانه‌ای که در نقشه ترسیمی سرهنگ قراجه داغی، از شهر تبریز به سال ۱۲۹۷ ه.ق در عهد قاجار مشخص است و تداوم خاطرهانگیزی محیط برای ساکنان و شهروندان به‌صورت سؤالات چندگزینه‌ای و وزنی ساده مطرح و در بین گروه‌های مشخص‌شده (جامعه آماری ۱۰۰ نفری) در محل‌های مربوطه توزیع

گردید. این گروه‌ها شامل ساکنان، کسبه محدوده و شهروندان گذری در محل مورد مطالعه هستند که در بخش مصاحبه از آنها خواسته شد دیدگاه‌های خود را در خصوص عناصر، ویژگی‌های محیطی و میزان رضایت و علاقه‌مندی خویش نسبت به بازخوانی و ارتقای خاطره‌انگیزی دروازه‌های تاریخی شهر قدیم تبریز بیان کنند.

یافته‌های اسنادی

دروازه شهر

شهر تبریز به سبب قرار گرفتن در مسیر موسوم به «جاده ابریشم» و نقش استراتژیک و مهمی که در تجارت منطقه و بین‌الملل (محور ارتباطی اروپا به آسیا، شرق و خاور دور) داشته؛ همواره از جایگاهی ویژه و مهم در کشور و منطقه برخوردار بوده است [۲۲]. به‌طور کلی تا قبل از قرن حاضر، تبریز، نیروی حیاتی خویش را از سه عامل رونق بازرگانی، مرکزیت نظامی و سیاسی کسب می‌کرده است. بازتاب کالبدی سه عامل یاد شده را در پیکر شهر نیز به آسانی می‌توان دید: شکل‌گیری بازاری بزرگ و ثروتمند، دیوان‌خانه‌های گسترده، سربازخانه‌ها و مراکز نظامی چند در پیرامون هسته مرکزی شهر [۲۳]. در این میان، یکی از عناصر کالبدی نمادین و هویت‌بخش در ساختار شهر، دروازه‌ها هستند. دروازه‌های شهر قدیم تبریز به‌عنوان یک نشانه در شبکه نمادین شهر، موجد هویت بوده و با ساختار و مفهوم خاص خود منتج به شکل‌گیری خاطرات ذهنی و خوانایی آن در شهر شده است [۲۴]. با انطباق اطلاعات آمده در وقف‌نامه ربع رشیدی به سال ۷۰۹ ه.ق، وقف‌نامه شیخیه کججیه ۷۸۲ ه.ق، وقف‌نامه مظفریه ۸۶۹ ه.ق، روضات الجنان و جنات الجنان ۹۷۵ ه.ق و روضه اطهار ۱۰۱۱ ه.ق به‌ترتیب دروازه‌های شهر قدیم تبریز: دروازه ری/جدید (دروازه باغمیشه)، دروازه قلعه/آهنین در (دروازه سرخاب)، دروازه سنجان (دروازه استانبول)، دروازه طالق (دروازه شتربان)، دروازه ورجو (دروازه ویجویه)، دروازه سرد (دروازه گجیل)، دروازه نارمیان (دروازه مهادهمین)، دروازه نوبر (دروازه نوبر)، دروازه موکله/ماهانقلق (دروازه خیابان) می‌باشد. در این میان، دروازه باب‌اعلی که در سمت مقابل دروازه باغمیشه بر سر گذر ششگیلان واقع بوده، به علت نزدیکی به دو دروازه دیگر هنگام بازسازی بارو در سال ۱۱۹۴ ه.ق [بعد از زلزله مهیب سال ۱۱۹۳ ه.ق] حذف شده است [۲۴]. لیک، با توسعه‌های جدید شهر از سال ۱۳۰۰ ه.ش به بعد و با قطع فرارشد دستاوردهای تاریخ معماری از روزگار معاصر در حیطه تحولات نوگرایی در کشور، موجبات تولید و انباشت فضاهای ناخوانا در شهر معاصر شده است. هر چند دروازه‌ها نمود فیزیکی خود را از دست دادند، مع‌الوصف همچنان ارزش و بار معنایی خود را به‌عنوان مراکز مهم کالبدی و کارکردی در ساختار اصلی شهر حفظ کرده‌اند؛ به‌طوری که ردپای آنها به‌طور مشخص و عموماً در مسیر دسترسی‌های اصلی شهر، به‌عنوان مفصل ارتباطی بافت قدیم و جدید، مشهود است. بر این رأی، شهر تبریز با تحولات نوگرایانه‌اش، به عنوان یک «شهر-مکان» هنوز هم دارای قابلیت‌های بسیاری است که با تلاشی مستمر می‌تواند به «شهر-زمان» و شهر «زنده‌فضا» تبدیل گردد و خاطره‌های گذشته را زنده کند [۲۵].

واکاوی نقش دروازه در خاطره جمعی معاصر شهر

آستانه و دروازه، نشان‌دهنده جهت و راه‌حلی ملموس و بلادرنگ برای پیوستگی فضا هستند [۲۸] و همچون نمادها و نشانه‌ها در معماری که از گذشته تا امروز طیف وسیعی از بناها را شامل می‌شوند؛ به‌عنوان یکی از انواع بناهای برجسته نشانه‌ای، جلوه‌های گوناگون داشته‌اند و به‌عنوان الگویی از نشانه‌های شهری؛ آمیخته به مفاهیمی همچون: میزان در دسترس بودن، محتوا و عملکرد می‌باشد [۱۲]. شکل کالبدی دروازه‌ها به تدریج و با تغییر نام آنها در طول دوره‌های مختلف تاریخی، به‌صورت کالبدی-ذهنی و با قطع فراشد تاریخی و زوال کنش‌های درونی برخی از آنها در شهر امروز، به‌صورت ذهنی-خاطره‌ای درآمده است. در شهرنشینی ایرانی، قلمرو و محدوده شهر قدیم برای ورود را مرزهای طبیعی به همراه حصارهای منظم، باروها و دروازه‌های ملزوم تعیین می‌کرد. لکن در دوران معاصر، این عناصر تغییر یافتند و کالبدهای ملموس به تکنولوژی غیرقابل لمس و مدرن تبدیل شدند. به این ترتیب، مکان دروازه، محل گذاری است دو سویه برای القای حس حرکت و انتقال از قلمروی شهر جدید به قلمروی شهر قدیم. بر این مبنای روشن می‌شود که معماری ایرانی به کمک تعیین و جهت‌گیری در نظام فضایی معماری، بهره‌وری‌کننده و مُدرک را از حضور در آن فضا آگاه می‌ساخت. در حال حاضر، نقش دروازه به معنای معاصر (نمادین) مطرح است؛ نه مفهوم کارکردی آن در قدیم. دروازه در این مفهوم، در واقع نقطه عطفی به‌صورت نمادین برای ورود به قلمرو بافت قدیم می‌باشد. بدین منظور، طراحی دروازه‌ها به عنوان نشان‌های هویت‌ساز با فضای پیرامون آن به‌عنوان بخشی از فضای شهری در راستای زنده کردن خاطره جمعی و تداوم رشته‌های خاطره‌ای آن مکان متناسب با روح زمانه، امری مهم می‌نماید [۱۵]. به‌طور کلی، چهار خاصیت را برای دروازه‌ها می‌توان برشمرد: تعریف فضا، تشخیص فضا، جهت‌بخشی و هدایت [۲۹]. بر مدار این سخن، نقش این نشانه را از بعد اجتماعی در حال حاضر با در نظر گرفتن جریان سیال نخله‌ها و گرایش‌های رایج معماری معاصر، چنین می‌توان برشمرد:

- اعتلای ذائقه فرهنگی و اجتماعی شهروندان از طریق مواجهه و حضور در یک المان یا یادمان تاریخی (دروازه) موجد هویت با بار معنایی متعالی و متأثر از پیشینه شهر
- بالا بردن سطح اشتیاق و ارادت شهروندان به کنکاش در سازمان فضایی شهر و نظام شهرسازی آن
- ظرفیت‌سازی و بالا بردن حساسیت‌های عمومی جهت حفظ و حراست از چنین مجموعه‌ها یا عناصر معماری تاریخی در سطح شهر
- کمک به ابهام‌زدایی از پیشینه تاریخی و کالبدی و شهر
- بازشناسی نقش عناصر اصلی و ساختاری یک شهر از بعد تاریخی با توجه به تأثیر متقابل بنا و پیرامون آن بر روی هم.

دروازه‌های قدیم تبریز در شهر معاصر

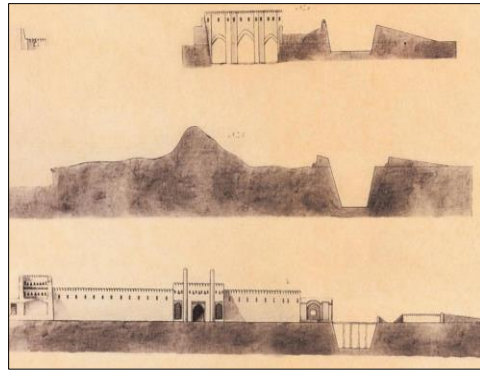
فضاهای شهری تاریخی ایرانی، متفاوت با فرم‌هایی که امروزه بر این فضاها در کشور ما حاکم‌اند؛ در بستر تاریخ و در دل شهر ایرانی ظهور می‌یابند، رشد می‌کنند، متحول می‌شوند، در هم درمی‌آمیزند و به ثبات می‌رسند [۳۰]. لکن، دروازه‌های تبریز در تبلور کالبدی و عینی عناصر ساختاری هویت‌بخش خویش در فرایند گسترش و شکل‌گیری خود با گسترش مبتنی بر نیاز زمان مواجه می‌شود. ابعاد کارکردی این دروازه‌ها را می‌توان به شش دسته تقسیم کرد: نقش ارتباطی، دفاعی-امنیتی، اقتصادی، اجتماعی، یادمانی و بصری [۳۱]. از آنجا که در شهر معاصر، کالبد دروازه‌های قدیم با کارکرد گذشته آن از بین رفته است، از میان دروازه‌های باقیمانده، چه به جهت کالبد و چه به جهت خاطره‌ای، تنها جنبه یادمانی و بصری آنها می‌تواند به طور خاص مطرح باشد. در جریان توسعه شهر و از بین رفتن حصار تاریخی با توسعه‌های جدید و گسترش محدوده شهر به خارج از بافت تاریخی در دوره قاجار و بعد از آن در دوره پهلوی، گذرهای اصلی به عنوان نقاط عطف در محدوده ارتباطی بافت قدیم و جدید کماکان باقی ماندند و در محل حصار شهر و بسیاری

از گذرهای اصلی، خیابان‌های اصلی شهر کشیده شد. در این بین، کالبد دروازه‌ها و برخی نام‌های آنها از بین رفت، همان‌طور که در ادوار مختلف تاریخی برخی دروازه‌های شهر با کالبد و برخی با نام‌های متفاوت در یک کالبد بروز پیدا کرده‌اند. دروازه مه‌اد مهین با کشیده شدن خیابان ارک، به تقاطع ارک تغییر نام داد. دروازه نوبر به‌عنوان یک گره ترافیکی در غرب میدان شهرداری درآمد. دروازه سرخاب در محل اتصال بافت جدید و قدیم به کوی سرخاب تغییر نام داد. دروازه باغمیشه به نوعی جای خود را به شهرک باغمیشه داد. دروازه گجیل در محل قدیمی خود تبدیل به چهارراهی به همین نام شد. به این ترتیب نقش کلیدی دروازه‌ها حفظ گردید و در این جریان، به‌نوعی تغییر شکل و ماهیت یافت و مکان دروازه‌ها به عنوان محلی برای عبور و گذار از بافت قدیم به بافت جدید و بالعکس، شکلی واقعی پیدا کرد (جدول ۲).

جدول ۲. محدوده بافت و دروازه‌های قدیم تبریز در شهر معاصر



تصویر ۵. نمایی از محله سرخاب منتهی به محل قدیمی دروازه سرخاب تبریز
ماخذ: آرشیو میراث فرهنگی آذربایجان شرقی



تصویر ۴. نقشه استحکامات (دروازه‌های ورودی) شهر تبریز
ماخذ: اسناد تصویری شهرهای ایران در دوره قاجار



تصویر ۷. نمایی از محله ششگیلان تبریز منتهی به محل قدیمی دروازه ششگیلان در اوایل دوره پهلوی اول
ماخذ: آرشیو میراث فرهنگی آذربایجان شرقی



تصویر ۶. نمایی از محله سرخاب منتهی به محل قدیمی دروازه شتران در دوره پهلوی اول
ماخذ: آرشیو میراث فرهنگی آذربایجان شرقی

ریشه‌یابی رشته‌های خاطره‌های دروازه‌های تاریخی

برای ریشه‌یابی رشته‌های خاطره‌های دروازه‌های تاریخی، در محور زمان سه مرحله یا مقطع اصلی وجود دارد:

دوران حیات کالبدی دروازه‌ها

در این دوران، دروازه‌ها وجود خارجی و نمود کالبدی دارند و جلوه‌ای از [صناعت] فضای گذار و اتصال هستند که سرآغاز یا سرانجام یک [حرکت یا] سفرند [۳۲]. این دوران شامل تمام ادوار تاریخی است که در آن، دروازه‌ها عموماً دارای کارکرد دفاعی-اقتصادی هستند. کلیت حیات دروازه‌ها در ادوار یاد شده، به دو شکل امتداد می‌یابد: اول، جابه‌جایی مکان دروازه در اثر توسعه حصار شهر، و دوم تغییر نام دروازه‌ها به دلایل مختلف همچون ملاحظات سیاسی انجام می‌گرفته است. این دوران در شهر تبریز به‌صورت مشهود، از نخستین باروهای شهر در دوره روادیان شروع شده و تا اواخر عهد قاجار ادامه‌دار بود [۱۲]. لکن در تطور زمانی تکوین کالبدی شهر و با در نظر داشتن حوادث و رخداد‌های گذشته بر آن از جمله زلزله‌های مشبوت در تاریخ شهر، بنای مجدد دروازه یا تغییر مکان آن، امری محتمل و مقبول به نظر می‌آید. بدین ترتیب در گذشته، دروازه‌های شهر از جمله دروازه‌های شهر قدیم تبریز [و فضاهای پیرامون آنها، مکان‌های بارز و شهری به‌شمار می‌آمدند که نقش هدایت‌گری را بر عهده داشتند [۲]. همچنین شواهدی بر وضعیت اجتماعی شهر [اشارتی نمادین] به‌شمار می‌آمده است [۳۳]. بدین صورت دروازه‌ها و فضاهای ورود به بناها به‌ویژه به بناهای مذهبی، از تسلسل و تنوع بسیار غنی برخوردار بوده‌اند [۳۴]. به بیانی دیگر، امتزاج قوام‌یافته عناصر تاریخی و هویت نمادین آنها در استخوان‌بندی اصلی شهر، موجد لذت و انبساط خاطری می‌شود که بعداز ادراک یا تداعی آن فضا به مخاطب دست می‌دهد. محمدجواد مشکور در کتاب «نظری به تاریخ آذربایجان و آثار باستانی و جمعیت‌شناسی آن» آورده است: «نزديکی‌های صبح طبل‌زن، پایان یافتن ساعات قرق شبانه را [در امتداد دروازه‌ها] اعلام می‌کند.» همچنین نقل است عصرها دروازه‌ها را با صدای کره‌نی می‌بستند و در هنگام اذان صبح دوباره با صدای کره‌نی برای تردد دوباره به داخل شهر باز می‌شدند [۳۵].

دوران حیات کالبدی - ذهنی دروازه‌ها

این مرحله با قطع فرارشد دروازه‌ها از ماهیت تاریخی و اجتماعی آن همراه است که در نتیجه، حصار و باروی شهر از کارکرد خود هم در ساختار فیزیکی و هم در معنا فاصله گرفتند و دچار تغییر معنایی شدند که در نتیجه آن، واژه‌های شهرسازانه معاصر مانند فلکه، چهارراه و میدان به جای نام برخی دروازه‌ها مصطلح شد. از اثرگذارترین عوامل برون‌سر دخیل در رویکرد فوق در شهر تبریز می‌توان به جنگ‌های میان ایران و عثمانی و نیز زلزله‌های رخ داده در منطقه علی‌الخصوص زمین‌لرزه سال ۱۹۳۵ ه.ق [۳۶] اشاره کرد. لیکن دگرگونی‌های موصوف در حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی دو سده اخیر به شکل جدیدی از روابط اجتماعی-اقتصادی و فرهنگی در معنای عام آن انجامیده است و شهر به عنوان تبلور کالبدی این دگرگونی‌ها از این دگرگونی‌ها بازمانده است و به ناچار روابط کالبدی - فضایی تازه و مفهومی جدید از شهروندی را مطرح می‌کند.

دوران حیات ذهنی - خاطره‌های

تحولات و دگرگونی‌هایی که در معنا و مفهوم معماری در عهد معاصر رخ داده است، تابعی از سیر تحولات فکری تمدن معاصر است، که با علم تجربه‌گرا و تفکر راسیونالیستی مدرن رایج، جنبه معنوی و روحانی حیات انسان و اصولاً وجه معنوی عالم وجود را انکار می‌کند [۳۷]. با این تفاسیر در شهر تبریز یا از دید بهتر، در اکثر شهرهای کشور، در روند گسترش شهر، ساختمان‌هایی مثل مساجد و بناهای عمومی دیگر که در گذشته بر اساس ویژگی‌های یادمانی خود به شهرها هویت می‌بخشیدند، اکنون در درجه دوم اهمیت قرار می‌گیرند؛ زیرا دیگر مرتفع‌ترین بناهای شهر نیستند و اثر

مستقیم آنها بر مردم در حال تضعیف است و با از دست دادن کلیت کالبدی یا مقیاس مناسب خود در رابطه با شهر، عملکرد یا نشانه ذهنی آنها رو به زوال است. این بناها که ریتم شهری را کنترل و ویژگی خود را در شهر منعکس می‌کردند اکنون افق شهری محدبی که برجسته‌ترین نقاط آن اینیه یادمانی بود جای خود را به منحنی مقعری داده است که در زیر آن، ساختمان‌های مذکور در صورت ماندگاری به اینیه‌ای کوتاه و بی‌اهمیت بدل گشته‌اند [۸]. لکن، از سویی دیگر با از بین رفتن کالبد دروازه‌ها و نقش کارکردی آنها در شهر، دروازه‌ها با تغییر کالبدی-محتوایی مواجه شدند. بدین صورت که جایگاه آنها به سبب ارزش مکانی و معانی شکل گرفته در طول تاریخ حیات شهر به‌طور ذهنی و خاطره‌ای قابل بازشناسی است. به این ترتیب با از بین رفتن کالبد دروازه‌ها در شهر معاصر، وجود رشته ممتد ذهنی-خاطره‌ای سبب ایجاد حس مکان گردیده است. ایجاد حس مکان در بافت با زنجیره‌ای از تعلقات وابسته به آن، سبب ایجاد یک حس اجتماعی مشترک می‌گردد که به نوعی با احساس مالکیت همخوان است [۲]. این چنین است که دروازه‌های شهر، از گذشته تاکنون در یک رشته‌خاطره‌ای تبدیل به الگوی ذهنی در بازشناسی تبریز معاصر شده است (جدول ۳).

از این رهاورد و با توجه به وجود ریشه‌های هویتی عمیق نظامات یاد شده منتج از مطالعات اسنادی صورت‌گرفته، چنین برمی‌آید که وجود رشته‌های خاطره‌ای در اذهان عمومی شهروندان، همچنان عاملی مؤثر در انتقال تصاویر ذهنی حاصل از رخداد‌های حادث‌شده در گذشته تا به حال می‌باشد. بدین صورت، بافت تاریخی شهر، توانایی ترکیب و هم-پیوندی ریشه‌دار با شهرسازی معاصر با راهکارهای متناسبی که در ادامه آمده است را خواهد داشت.

جدول ۳. ریشه‌یابی رشته‌های خاطره‌ای دروازه‌های قدیم تبریز

ادوار تاریخی دروازه‌ها	روادبان	اتابکان	صفویه	دنبلی‌ها	قاجار	پهلوی	خاطره
							امروز
۱	نام مصطلح دروازه	دروازه ری	دروازه ری	دروازه ری	دروازه ری	درب	شهرک باغمیشه
	وجه نمود دروازه	کالبدی*	کالبدی	کالبدی	کالبدی و ذهنی*	تجسد ذهنی و خاطره‌ای*	تجسد ذهنی و خاطره‌ای
۲	نام مصطلح دروازه	دروازه قلعه	دروازه آهنین‌در	دروازه سرخاب	دروازه سرخاب	چهارراه شش‌گیلان	دروازه سرخاب
	وجه نمود دروازه	کالبدی	کالبدی	کالبدی	کالبدی و ذهنی	تجسد ذهنی و خاطره‌ای	تجسد ذهنی و خاطره‌ای
۳	نام مصطلح دروازه	سنجاران	دروازه استانبول	دروازه استانبول	دروازه استانبول	دروازه (دروازه)	دروازه (دروازه)
	وجه نمود دروازه	کالبدی	کالبدی	کالبدی	کالبدی و ذهنی	تجسد ذهنی و خاطره‌ای	تجسد ذهنی و خاطره‌ای
۴	نام مصطلح دروازه	دروازه طاق	دروازه شتربان	دروازه دوه‌چی	دروازه دوه‌چی	سه راه دوه-چی	سه راه دوه-چی
	وجه نمود دروازه	کالبدی	کالبدی	کالبدی	کالبدی و ذهنی	تجسد ذهنی و خاطره‌ای	تجسد ذهنی و خاطره‌ای
۵	نام مصطلح دروازه	دروازه درجو	دروازه ویجویه	-	-	-	-
	وجه نمود دروازه	کالبدی	کالبدی و ذهنی	کالبدی و ذهنی	تجسد ذهنی و خاطره‌ای	تجسد ذهنی و خاطره‌ای	تجسد ذهنی و خاطره‌ای

ادوار تاریخی دروازه‌ها	روادبان	اتابکان	صفویه	دنبلی‌ها	قاجار	پهلوی	خاطره امروز
	۶	نام مصطلح دروازه	دروازه سرد	دروازه گجیل	دروازه گجیل	دروازه گجیل	درب گجیل
	وجه نمود دروازه	کالبدی	کالبدی	کالبدی	کالبدی و ذهنی	تجسد ذهنی و خاطره‌ای	تجسد ذهنی و خاطره‌ای
۷	نام مصطلح دروازه	دروازه سی شاه	-	-	-	-	-
	وجه نمود دروازه	کالبدی	کالبدی و ذهنی	تجسد ذهنی و خاطره‌ای	تجسد ذهنی و خاطره‌ای	تجسد ذهنی و خاطره‌ای	تجسد ذهنی و خاطره‌ای
۸	نام مصطلح دروازه	دروازه نارمیان	دروازه مهادمهین	دروازه مهادمهین	دروازه مهادمهین	محلہ میارمیار	خیابان ارک
	وجه نمود دروازه	کالبدی	کالبدی	کالبدی	کالبدی و ذهنی	تجسد ذهنی و خاطره‌ای	تجسد ذهنی و خاطره‌ای
۹	نام مصطلح دروازه	دروازه نوبر	دروازه نوبر	دروازه نوبر	دروازه نوبر	میدان شهرداری	خیابان تربیت
	وجه نمود دروازه	کالبدی	کالبدی	کالبدی	کالبدی و ذهنی	تجسد ذهنی و خاطره‌ای	تجسد ذهنی و خاطره‌ای
۱۰	نام مصطلح دروازه	دروازه موکله	دروازه ماهانلق	دروازه خیابان	دروازه خیابان	دمشقیه	دمشقیه
	وجه نمود دروازه	کالبدی	کالبدی	کالبدی و ذهنی	تجسد ذهنی و خاطره‌ای	تجسد ذهنی و خاطره‌ای	تجسد ذهنی و خاطره‌ای

وجه نمود کالبدی: دروازه به‌صورت فیزیکی موجود بوده و در دوران حیات کالبدی خود به سر می‌برده است.

وجه نمود کالبدی و ذهنی: به دلیل توسعه حصار شهر، جنگ یا حوادث طبیعی، دروازه تخریب یا محل آن جابه‌جا شده لکن محل قبلی دروازه به‌صورت واضح مشهود بود.

وجه نمود ذهنی و خاطره‌ای: به دلیل تغییر محل حصار و جابه‌جایی دروازه یا عوامل برون‌گرای دیگر دروازه قدیمی از بین رفته و آثار کالبدی از آن برجای نمانده است.

راهنما

آنچه در جدول ۳ در چارچوب ماندگاری رشته‌های خاطره‌ای در سه دسته: نمود کالبدی، نمود کالبدی و ذهنی و تجسد ذهنی و خاطره‌ای به تحریر درآمد در واقع نگاه ساده و در عین حال مبتنی بر ادوار ذهنی خاطره‌ای بود که به ریشه‌یابی مکانی و خاطره‌ای دروازه‌های شهر در دوران مختلف تاریخی از عهد روادبان تا قاجار است. دروازه‌های تاریخی شهر قدیم تبریز، بستری است با قابلیت شکل‌گیری و ثبت خاطره جمعی در ذهن شهروندان. با این تفاسیر می‌توان گفت مفهوم کاملاً ذهنی همچون خاطره جمعی می‌تواند به عینیتی ملموس و قابل درک تبدیل شود [۳۸]. این گونه مفاهیم با توجه به شاخص‌هایشان در قلمروهای عمومی، جایگاهی بیش از تاریخ شدن و تاریخ ماندن دارند و با تمهیداتی که پیش‌تر و در ادامه ذکر آن خواهد رفت می‌توان این مهم را در بستر جامعه شهری به خدمت گرفت. اما نکته تأمل‌برانگیز در این فرایند، توجه به این امر است که در واقع در این کنش، بیشتر فضا نمایان و پرواضح است نه کالبد. به عبارت دیگر، معاصرسازی کالبد به همراه روح زمانه که فرهنگ‌ساز است، در تداوم رشته‌های خاطره‌ای در اذهان شهروندان، هدف اصلی می‌باشد. برای دستیابی به چنین مراکز سرزنده‌ای، تعریف دوباره‌ای از هم‌پیوندی شهر با هسته و ساختار کهن آن لازم است تا امکان تداوم و تغییر متکی بر ساختار تاریخی را فراهم آورد و در پیوند با دیگر کانون‌های فعالیتی شهر، نقش آن را در چارچوب توسعه متوازن شهر تعریف کند (نمودار ۲).



نمودار ۲. کارکردهای خاطره جمعی و ریشه‌های آن در اذهان

یافته‌های مطالعه پیمایشی

در بررسی مفهوم حس مکان و تأثیرگذاری آن بر کیفیت تعلق مکانی و میزان حس دل‌بستگی به مکان در محدوده دروازه‌های متعین تاریخی شهر تبریز، از دو روش به صورت مکمل هم استفاده شده است: در روش اول (جدول ۴ و ۵) با برداشت‌ها و پیمایش‌های صورت گرفته، در محدوده‌های مشخص شده، واکاوی مفهوم حس مکان و میزان حس تعلق مکانی مورد توجه و تدقیق نظر قرار گرفت. در روش دوم (جدول ۶) نیز با توجه به پرسشنامه‌ها و مصاحبه‌های اخذ شده از گروه آماری معین، معیارهای ادراک مکان و نحوه ارتقای آن مورد خوانش قرار گرفت. بر این مدار، نتایج حاصل، متضمن اصول و معیارهایی است که بر ادراک و برداشت مردم از حس مکان، تأثیرگذار است. با این رویکرد، در این تحقیق با توجه به محل قرارگیری دروازه‌های عهد قاجاری شهر قدیم تبریز در فصل مشترک بافت تاریخی و معاصر و با در نظر گرفتن قدمت، مشخصات کالبدی-فضایی و فرهنگی محدوده بافت سنتی، چهار منطقه، محل دروازه انتخاب گردید. این چهار دروازه عبارتند از:

- الف. در بخش شمال بافت، دروازه شتربان (سه‌راه دوه‌چی) حد فاصل مسجد صاحب‌الامر تا امامزاده سید حمزه
 - ب. در بخش شرق بافت، دروازه خیابان (دمشقیه) حد فاصل کلیسای ننه مریم تا مسجد میانه
 - ج. در بخش غرب بافت، دروازه گجیل (چهارراه گجیل) حد فاصل مسجد انگجی تا چهارراه گجیل
 - د. در بخش جنوب بافت، دروازه نویر (خیابان تربیت) حدفاصل پیاده‌راه تربیت تا ارک علیشاه
- جامعه آماری در این پرسشنامه، ۱۰۰ نفر بودند که به‌طور یکسان از افراد موجود در هر چهار محدوده فوق (در همه اقشار سنی و جنسیتی شامل شهروندان ساکن، گذری و کسبه) مورد پرسش و مصاحبه قرار گرفته‌اند. در پرسشنامه مذکور عوامل مؤثر بر شکل‌گیری حس مکان و تعلق و دل‌بستگی مکانی به همراه خاطره‌انگیزی مکان، ریشه‌های هویتی، تنوع، دسترسی، تعادل، تعاملات و پایداری اجتماعی و ... در محدوده‌های مشخص شده مورد بررسی قرار گرفت (جدول ۴).

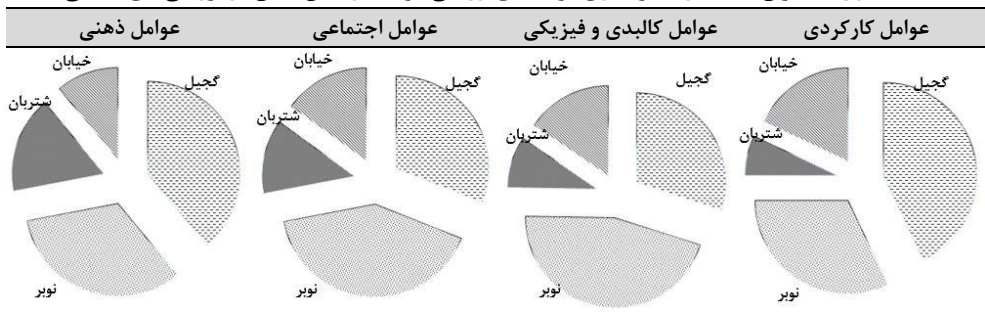
جدول ۴. پارامترهای مؤثر در ارزیابی حس مکان در دروازه‌های تاریخی تبریز

موقعیت دروازه‌های چهارگانه انتخابی و محدوده مورد بررسی		عوامل مؤثر فیزیکی و کالبدی		عوامل مؤثر کارکردی		عوامل مؤثر ذهنی		عوامل مؤثر اجتماعی	
<p>۱. محدوده سه راه ۲. محدوده محله ۳. محدوده چهارراه ۴. محدوده محله تصویر ۸. جایگاه باروی شهر کهن در ساختار معاصر تبریز، مأخذ: فخار تهرانی و همکاران، ۱۳۸۵</p>		<p>۱. محدوده سه راه</p>		<p>۳. محدوده چهارراه</p>		<p>۲. محدوده محله</p>		<p>۴. محدوده محله</p>	
<p>معماری</p> <p>ابعاد و اندازه، مقیاس، بافت و چیدمان، وضعیت ساخت، کیفیت معماری</p>		<p>وجود آلودگی بصری در گذر، خط آسمان نسبتاً متعادل، میلمان شهری ناکافی، رعایت مقیاس انسانی</p>		<p>کاربری‌ها، فعالیت‌ها، قابلیت استفاده</p> <p>کمبود کاربری‌های جذاب جمعیت، غلبه کاربری‌های خدماتی</p>		<p>تداعی معانی، هویت، نمادهای تاریخی، عناصر یادمانی، خاطرات</p> <p>تک‌دانه‌های ارزشمند تاریخی، هویت و اصالت، وجود بناهای واجد ارزش و هویت‌بخش تاریخی</p>		<p>تعاملات اجتماعی، مشارکت، قابلیت استفاده برای همگان، سرزندگی فضا</p> <p>جاری بودن تعاملات اجتماعی، حس و کنش‌های اجتماعی</p>	
<p>دروازه مشیران</p> <p>خط آسمان نامتوازن، میلمان شهری نامناسب، آلودگی بصری در نماهای شهری</p>		<p>اولویت کاربری تجاری، وجود فعالیت‌ها و کاربری‌های جذاب جمعیت</p>		<p>نبود پوشش گیاهی متناسب، وجود نمادهای شاخص (ارک علیشاه)، خاطره‌انگیزی مکان</p>		<p>وقوع رفتارهای اجتماعی، فعالیت‌های متنوع</p>			
<p>دروازه خیابان</p> <p>خط آسمان نسبتاً متعادل، رعایت مقیاس انسانی، میلمان شهری ناکافی</p>		<p>وجود فعالیت‌ها و کاربری‌های جذاب جمعیت، غلبه کاربری‌های تجاری، گوناگونی</p>		<p>خاطره‌انگیزی محیط، وجود نماد، حفظ جداره‌های تاریخی بصورت موردی</p>		<p>سرزندگی فضا، جاری بودن تعاملات اجتماعی، وقوع فعالیت‌های متنوع</p>			
<p>دروازه گچیل</p> <p>میلمان شهری مناسب، بازسازی جداره‌های تاریخی، وجود نمادهای انسان ساخت</p>		<p>وجود فعالیت‌ها و کاربری‌های جذاب جمعیت، ترکیب متناسب کاربری‌ها، گوناگونی</p>		<p>وجود نماد از جنس کاربری، وجود عناصر تاریخی، خاطره‌انگیزی محیط،</p>		<p>سرزندگی فضا، وقوع فعالیت‌های متنوع، جاری بودن تعاملات اجتماعی</p>			
<p>دروازه نوبر</p>									

نکته بارز در محلات یاد شده این است که در پیمایش میدانی آنها در نهایت، میراث معماری که بدان ختم می‌شوند همان استخوان‌بندی اصلی شهر یعنی بازار تاریخی تبریز است. نتایج حاصل از بررسی‌های میدانی و پرسشنامه‌ها نشان می‌دهد که در دروازه نوبر وجود نمادها و جداره‌های تاریخی موجب هویت و نیز تنوع و گوناگونی کاربری‌ها تأثیر به‌سزایی در جذب شهروندان ایفا می‌کند. نورپردازی، مبلمان شهری مناسب، بازآفرینی کالبدی نشان-های تاریخی و وجود نماد از جنس کاربری‌ها از جمله پارامترهایی هستند که در سرزندگی فضا و خاطره‌انگیزی آن در محدوده یاد شده تأثیر گذار هستند.

دروازه گجیل به دلیل نزدیکی با بازار تاریخی شهر دربردارنده تعاملات و کنش‌های اجتماعی وسیع و متنوع می‌باشد. وجود کاربری‌های گوناگون و مکمل فعالیت‌های جاری در محدوده بازار، خاطره‌انگیزی به لحاظ قدمت، حفظ موردی جداره‌های تاریخی و نیز دسترسی موفق، از دلایل تقویت حس مکان در این بخش است. در خصوص دروازه خیابان و دروازه شتریان می‌توان چنین بیان کرد که وجود تکدانه‌های واجد ارزش تاریخی از جمله ارک علیشاه در محدوده دروازه خیابان و مجموعه صاحب‌الامر در محدوده دروازه شتریان ضمن تداعی رخدادهای تاریخی در اذهان شهروندان لزوم خاطره‌انگیزی مکان را یادآور می‌گردد. لکن انبوه ساخت و سازهای معاصر بدون در نظر گرفتن پیشینه مکان، عدم جداره‌سازی مناسب و در عین حال غلبه کاربری‌های تجاری و خدماتی بر اکثر گذرهای عمومی آنها علی‌رغم وقوع تعاملات و فعالیت‌های اجتماعی از میزان تأثیرگذاری حس مکان و دلبستگی ساکنان به آن کاسته است. بدین ترتیب جاری بودن تعاملات و برهم‌کنش‌های اجتماعی قوی، تنوع کاربری‌ها در کنار نمادهای دست‌ساخته خاطره‌ساز و متناسب با هویت مکان، نورپردازی و توجه به پیاده‌راه‌ها در کنار خاطره‌انگیزی مکان به دلیل پیشینه آن از جمله دلایلی هستند که باعث گردیده دروازه نوبر و گجیل در مقوله میزان تعلق مکانی و دلبستگی شهروندان و استفاده کنندگان، نسبت به دو دروازه دیگر موفق‌تر عمل کنند (جدول ۵).

جدول ۵. میزان اهمیت و تأثیرگذاری مؤلفه‌های ارزیابی‌شونده در حس مکان در بررسی‌های میدانی



بدین ترتیب توجه به بعد کارکردی و کالبدی در دروازه شتریان و وجه کالبدی و ذهنی در درب خیابان می‌تواند نسبت به توزین معنایی این دو دروازه نسبت به دو محدوده نوبر و گجیل راهگشا باشد. بر این مبنا، از میان معیارها و مفاهیم مکان: تصویر ذهنی، فعالیت‌ها، رخدادهای و نمادها در ایجاد و ارتقای حس تعلق به مکان در محلات یاد شده، بیشتر از سایر معانی مؤثرند. همچنین میزان خاطره‌انگیزی مکان و جاری بودن نام‌های تاریخی اماکن و محلات نقش تعیین‌کننده در این احساس از سوی مصاحبه‌شوندگان؛ دارند. در ادامه، از عوامل کاهنده میزان حس تعلق و کم‌رنگ شدن رشته‌های خاطره‌ای در اذهان عمومی شهروندان (مصاحبه‌شوندگان) توسعه نامناسب شهر، تغییر محیط کالبدی محلات مورد اشاره و نوع کاربری (تضعیف هویت) می‌باشد. براین اساس و با تکیه بر یک ظن قوی علمی می‌توان ادعا

کرد حس تعلق و خاطره‌انگیزی نسبت به محیط، تجسیدی از برهم‌کنش‌های اجتماعی می‌باشد که در بستر محیط حادث می‌شود (جدول ۶).

جدول ۶. الگوهای خوانایی مکان بر مبنای تحلیل‌های صورت گرفته و جمع‌بندی نظرات ساکنان

اولویت	دروازه نوبر	دروازه گجیل	دروازه خیابان	دروازه شتریان
اول	به‌کارگیری عناصر نشانه‌ای و یادمانی	اصلاح ساختار و سیمای مکان	به‌کارگیری عناصر نشانه‌ای و یادمانی	به‌کارگیری عناصر نشانه‌ای و یادمانی
دوم	اصلاح مبلمان شهری و کارکردهای متناسب	به‌کارگیری عناصر نشانه‌ای و یادمانی	اصلاح مبلمان شهری و کارکردهای متناسب	اصلاح مبلمان شهری و کارکردهای متناسب
سوم	اصلاح ساختار و سیمای مکان	اصلاح مبلمان شهری و کارکردهای متناسب	اصلاح ساختار و سیمای مکان	اصلاح ساختار و سیمای مکان
معیارهای تأثیرگذار: تاریخچه و ساختار مکان، رویداد خاص، تنوع فعالیت‌ها، شبکه‌های نمادین، نمادهای انسان‌ساخت و ...				

با توجه به مطالب گفته‌شده و نتایج مستخرج از مطالعه میدانی و ملزومات آن چنین برمی‌آید که به‌کارگیری عناصر نشانه‌ای و یادمانی و نیز اصلاح ساختار و سیمای مکان دروازه‌ها در شهر معاصر، از جمله الگوهای متصور از دید شهروندان است که کاربست آن برای خاطره‌انگیزی و ارتقای میزان و کیفیت حس تعلق به مکان، مهم می‌نماید. البته درک این نکته ضروری است که گسست کالبدی بافت از دستاوردهای معماری پیشین منجر به کاهش میزان تعلق و دلبستگی به مکان و احیای ساختار و سیمای آن می‌گردد و بیشتر عناصر نشانه‌ای و مرور خاطرات و تصاویر ذهنی به اولویت اصلی تبدیل می‌شود.

نتیجه‌گیری

هدف از نگارش این مقاله، تلاش در بازخوانی زبان معماری ایرانی در ادراک و تبیین عوامل زمینه‌ساز در تداوم و ماندگاری رشته‌های خاطره‌ای شهروندان در یکی از شاهکارهای هنری و معماری بافت قدیم ایران، یعنی دروازه‌ها است. علی‌رغم تنوع قابل‌توجه مکان‌هایی که ممکن است جاذب حس تعلق بیشتری از جانب مردم بدان‌ها باشند؛ مکان استقرار دروازه به‌عنوان درگاهی در محل ورود به بافت قدیم همواره واجد نمودی خاص بوده است. با این نگاه، برای نیل به اهداف متعین و پاسخگویی به سؤال پژوهش که آیا موقعیت و جایگاه دروازه‌های تاریخی در افکار عمومی شهر معاصر قابلیت برقراری هم‌پیوندی دروازه شهر با ساختار آن را در ادراک شهروندان داراست؟ به مطالعه مفهوم حس مکان و حس تعلق و دلبستگی مکان در دروازه‌های کهن شهری پرداخته شد. سپس با بررسی اجمالی نحوه و میزان تأثیرگذاری دروازه‌ها در اذهان عمومی در شهر معاصر به ریشه‌یابی رشته‌های خاطره‌ای پرداخته شد. در ادامه، نمونه موردی تحقیق یعنی چهار دروازه گجیل، نوبر، خیابان و شتریان با توجه به قدمت، نمود وضعیت‌های مشابه با سایر دروازه‌ها، قرارگیری در جهات اصلی جغرافیایی شهر و رونق کارکردی از میان دروازه‌های نه‌گانه قدیمی انتخاب گردید. نتایج حاصل نشان می‌دهد در ارزیابی حس مکان در دروازه‌های مذکور، عوامل دخیل در موضوع تأثیرگذاری‌شان متفاوت از هم می‌باشد. به طوری که در دروازه گجیل و نوبر مؤلفه‌های کارکردی، کالبدی، ادراکی و تعاملات اجتماعی با توجه به توزیع متناسب کاربری‌ها، استفاده از نمادها از جنس کاربری‌ها و وقوع فعالیت‌های اجتماعی درخور توجه در ایجاد حس مکان و سرزندگی فضا موفق بوده‌اند و از دیدگاه پدیدارشناسی به عنوان مکان به فعالیت خود ادامه می‌دهند. در مقابل دروازه‌های خیابان و شتریان به دلیل آلودگی بصری در جدار گذرها و آفرینش فرم‌های معماری جدید بدون توجه به پیشینه و فعالیت‌های

جاری در آن از میزان حس مکان و دلبستگی ساکنین آن کاسته است. همچنین خاطره‌ساز بودن فضا، وجود بناهای شاخص و تاریخی جزو مواردی هستند که مصاحبه شوندگان برای تداعی معانی و خاطره‌انگیزی مکان در دروازه‌های چهارگانه بدان اشاره کرده‌اند. با توجه به تشابهات تاریخی و کالبدی در سایر دروازه‌های قدیمی شهر با نمونه‌های مورد بررسی، با تکیه بر یک ظن قوی علمی می‌توان نتایج حاصل از پژوهش را با رعایت برخی جزئیات ملزوم به آنها نیز تعمیم داد. بر این اساس برای تداعی مفاهیم خاطره‌ساز دروازه‌ها در ادراک شهروندان، کاربست راهکارهایی همچون آفرینش کالبدی فرم دروازه‌ها در محدوده‌های قدیمی خود که در برخی محلات تبریز انجام پذیرفته، خواناسازی کالبدی سیمای مکان، استفاده از عناصر نشانه‌ای و یادمانی برای تقویت تصاویر ذهنی و بازخوانی خاطره‌ها، همچنین متناسب‌سازی کارکردهای وابسته به فضاهای تجاری و خدماتی و نیز اصلاح مبلمان شهری در جهت ارائه فرصت و زمان کافی برای ادراک بهتر محیط توسط شهروندان از وجوه مهم اقدامات زمینه‌ای است. لذا هر نوع مداخله ملموس شهری در نواحی مفروض با در نظر گرفتن مفاهیم فوق، حرکتی خواهد بود برای القای حس نو به بافت قدیم در پیوند با توسعه‌های جدید شهر. واضح است که آتیه فضاهای عمومی شهری ارتباط پیوسته با خاطرات جمعی و مفاهیم خاطره‌ساز مکان خواهد داشت؛ بنابراین برنامه‌ریزی مدون شهری در این مورد راهگشا می‌باشد و می‌تواند نقشی تأثیرگذار در ارتقای کیفیت و زندگی شهری داشته باشد.

Reference

- [1] Shamai, S. (1991). Sense of place: an empirical measurement. *Geoforum*, 22(3), 347-358. <https://www.sciencedirect.com/science/article/pii/001671859190017K>
- [2] Shole, M. (2006). Old Gates in the Collective Memory of the Contemporary City Rooting Memory Strings. *Fine Arts*(27), 26-17. <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?ID=52063>
- [3] Esmaeilian, S., & Ranjbar, E. (2014). Finding Main Effective Factors of Creating and Transition of Collective Memory in Urban Public Spaces, Case Study: Tehran: Tajrish Square, Baharestan Square, and Plaza City Theater. *Armanshahr Architecture & Urban Development*, 6(11), 181-194.
- [4] Waxman, L. (2006). The coffee shop: Social and physical factors influencing place attachment. *Journal of Interior Design*, 31(3), 35-53. <https://doi.org/10.1111/j.1939-1668.2006.tb00530.x>
- [5] Raymond, C. M., Brown, G., & Weber, D. (2010). The measurement of place attachment: Personal, community, and environmental connections. *Journal of environmental psychology*, 30(4), 422-434. <https://doi.org/10.1016/j.jenvp.2010.08.002>
- [6] Relph, E. C. (1976). *Place and Placelessness*. Pion. <https://books.google.com/books?id=XHyxAAAAIAAJ>
- [7] Canter, D. V. (1977). *The Psychology of Place*. Architectural Press. <https://books.google.com/books?id=dF6zQEACAAJ>
- [8] Vahdati Asl, A. (2001). Today's city and the forgotten identity of the Iranian city. *Urban Development and Organization Haft Shahr*, 4, 2-4.
- [9] Falahat, M. S. (2006). The concept of sense of place and its shaping factors. *Fine Arts*(26), 57-66. <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=49948>
- [10] Ayashm, M., & Mirgholami, M. (2016). A conceptual model to evaluate the sense of place using four factors of perceptual, physical, social and functional (the Case study of Imam Street in Urmia, Iran). *Motaleate Shahri*, 5(19), 69-80. https://urbstudies.uok.ac.ir/article_33399.html?lang=en

- [11] Loqman, M., Sa'eedeh Zar-abadi, Z. S., & Behzadfar, M. (2022). Investigating the Mutual Effects of Social Capital and Quality of Life in Urban Neighborhoods Using Structural Equation Modeling (Case Study: Sultan Mir-Ahmad and Fin in Kashan). *Journal of Iranian Architecture Studies*, 8(15), 217-240. <https://doi.org/10.22052/1.15.217>
- [12] Jafarpour Nasser, S. (2018). Investigation of the old fertility area of Tabriz city using historical sources. *Bagh-e Nazar*, 15(62), 37-46. <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=356596>
- [13] Sheibani, M., Darfashi, A., & Parhudeh, F. (2014). Assessing why the audience's attachment to some landscapes and its shaping factors. *Soffeh*, 23(4), 47-58. https://soffeh.sbu.ac.ir/article_100217.html?lang=en
- [14] Taban, M., Pourjafar, M. R., & Pourmand, H. A. (2012). Identity and Place; Phenomenological Approach. *Hoviatshahr*, 6(10), 79-90. https://hoviatshahr.srbiau.ac.ir/article_1328.html?lang=en
- [15] Habibi, R. (2008). Mental Images and the Concept of Place. *Honarhaye Ziba*(35), 39-50. <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=78193>
- [16] Norberg-Schulz, C. (2012). The phenomenon of place. In *The Urban Design Reader*. Routledge. <https://www.taylorfrancis.com/chapters/edit/10.4324/9780203094235-36/phenomenon-place-christian-norberg-schulz?context=ubx&refId=e7f6ea07-7c33-4406-9a41-4bd9db8f6f66>
- [17] Seamon, D. (1982). The phenomenological contribution to environmental psychology. *Journal of environmental psychology*, 2(2), 119-140. [https://doi.org/10.1016/S0272-4944\(82\)80044-3](https://doi.org/10.1016/S0272-4944(82)80044-3)
- [18] Sarmast, B., & Motusali, M. M. (2010). Investigating and analyzing the role of place scale in the sense of belonging to a place (Case study: Tehran). *Urban Management*, 8(26), 133-146. <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=126518>
- [19] Ahmadi, F., Aghalatif, A., & Afshar, A. (2014). Factors influencing a sense of belonging in the regeneration of Noghan Neighborhood in the residential fabric near the Imam Reza Shrine. *Urban Development and Organization Haft Shahr*, 4(47-48), 70-84. http://www.haftshahrjournal.ir/article_14675_69f3c850faa0a305aa335d27a111dd94.pdf
- [20] Habibi, S. M. (1999). Urban space, event life and collective memory. *Soffeh*, 9(28), 16-21. <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?ID=47097>
- [21] Stringer, P. (1975). *Understanding the City* (D. Canter, Ed.). Surrey University.
- [22] Shafizadeh, A., & Ebrahimi, M. R. (2016). Recognition of architectural developments in the historical complex of Ahar Bazaar. *Iranian Architecture and Urban Planning*, 7(12), 27-15.
- [23] Sultanzadeh, H. (1997). *Tabriz: A solid brick in Iranian architecture*. Cultural Research Office.
- [24] Mohammad Moradi, A., & Jafarpour Nasser, S. (2013). Investigating the process of urban development during Ilkhani urban planning with an analysis of Tabriz urban development. *Journal of Iranian Architecture & Urbanism (JIAU)*, 4(2), 89-102. <https://doi.org/10.30475/isau.2014.61977>
- [25] Samei, N., & Ghasemi, B. (2009). *Iranian market: An experience in documenting Iranian markets*. Jihad Daneshgahi (Tehran Branch).
- [26] Belilan Asl, L. (1395). Analysis of the spatial structure of Tabriz in the Safavid period with a comparative comparison of travelogues and pictorial documents. *Bagh-e Nazar*, 13(38), 45-56. <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=268200>

- [27] Fakhari Tehrani, F., Parsi, F., & Bani Massoud, A. (2006). *Reading the historical maps of Tabriz*. Iran Urban Development and Improvement Company. <https://lib1.ut.ac.ir:8443/site/catalogue/129670>
- [28] Bakhtiar, L., & Ardalan, N. (2018). *The Role of Tradition in Iranian Architecture* (V. Jalili, Trans.). Yaghmai. <https://www.adinehbook.com/gp/product/6005344653>
- [29] Nawfal, S. A., Kalbadi, P., & Pourjafar, M. R. (2009). The Study of Affecting Indicators in Urban Identity, Case Study Jolfa Neighborhood in Isfahan City. *Armanshahr Architecture & Urban Development*, 2(3), 57-69. http://www.armanshahrjournal.com/article_32599_ad3b1213f432b56ec24f604c4a989348.pdf
- [30] Khalilzadehvahidi, e., Khalil zadeh vahidi, p., & Moradi, R. (2019). Performance Pathology of Historic Adobe Structures and Their Methods of Retrofitting. *Karafan Quarterly Scientific Journal*, 16(45), 53-66. https://karafan.tvu.ac.ir/article_100531_fb45c63509656cad07fc9bfa0e775c43.pdf
- [31] Sultanzadeh, H. (2011). *Entrance spaces in traditional Iranian architecture*. Cultural Research Office.
- [32] Gunon, R. (2000). Symbolism in the dome and the wheel. *Architecture and culture*, 4, 18-18. <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?ID=52134>
- [33] Von Mays, P. (2014). *A look at the basics of architecture from form to place 2649* (S. Ayvazian, Trans.). University of Tehran.
- [34] Tavassoli, M. (1997). *Principles and Methods of Urban Design and Residential Spaces in Iran*. Iran Urban Planning and Architecture Studies and Research Center, Tehran, Iran.
- [35] Mashkooor, M. J. (1971). *A look at the history of Azerbaijan and its antiquities and demography*. Series of publications of the National Works Association. <https://lib1.ut.ac.ir:8443/site/catalogue/783841>
- [36] Yahya, Z. (1989). *Tabriz Earthquakes*. کتاب سارا.
- [37] Nagizadeh, M. (2002). The impact of architecture and the city on cultural values. *Honar-Ha-Ye-Ziba*(11), 62-76. <https://www.sid.ir/fa/Journal/ViewPaper.aspx?ID=51657>
- [38] Tavakollian Ferdosieh, M., Esmaelpoor, N., & Noghsanmohammadi, M. (2016). Redesigning Bazaar, Based on its Collective Memories Formation and Retention; Case Study: Bazaar Khan, City of Yazd. *The Monthly Scientific Journal of Bagh-e Nazar*, 13(39), 45-56. http://www.bagh-sj.com/article_14941_b374a865f3a02806db9b43f49f3fc175.pdf